

بنام خدا

روایت خوانده شده توسط استاد انصاریان در شب ۲۱ ماه مبارک رمضان در حسینیه همدانیها

روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در اتاق ام السلمه نشسته بود که ناگاه کسی اجازه ورود خواست.

حضرت پیشاپیش فرمودند: ابلیس (شیطان) است به او اجازه دهید.

شیطان داخل شد و سلام کرد و عرض کرد: ای رسول خدا من به خودی خود به خدمت شما نیامدم بلکه دو فرشته از جانب پروردگار مرا گرفتند تا

به نزد شما آیم و هر چه را که از من می پرسید آن را به راستی جواب دهم وگرنه مرا به آتش عذاب خواهند کرد.

حضرت فرمودند: اول می پرسم چرا به حضرت آدم سجده نکردی؟

شیطان گفت: بخاطر حسد بود.

حضرت فرمودند: در دنیا چه کسی را دشمن خود می دانی؟

شیطان گفت: شما را.

حضرت فرمودند: به چه دلیلی؟

شیطان گفت: به جهت اینکه در دنیا امت ها را به اسلام دعوت کرده و به هدایت می رسانی و در قیامت آنها را شفاعت می کنی.

حضرت فرمودند: دیگر چه کسی را دشمن داری؟

شیطان گفت: کسی که از خدا فرمانبرداری کند و بسیار توبه کند و در نماز سستی و کاهلی ننماید و از بیم حق تعالی هراسان باشد و به پدر و مادر

خود احسان و نیکی کند و دیگر به عالمی که علم او با عمل همراه است و کسی که پیوسته به عمل خیر مشغول باشد.

حضرت رسول (ص) فرمودند: در حق وصی و نایب من حضرت علی بن ابیطالب (ع) چه می گویی؟

شیطان گفت: حاشا که هرگز بر او دست یافته باشم و به این راضی هستم که مرا به حال خود وا گذارد چرا که من تاب دیدن رخسار مبارک آن

حضرت را ندارم.

حضرت فرمودند: دوستانت کیانند؟

شیطان گفت: کاهل نمازان و سخن چینان و غیبت کنندگان پیامبر (ع)

فرمودند: رفیقانت چه کسانی هستند؟

شیطان گفت: خورندگان شراب.

حضرت فرمودند: هم صحبتان تو کیانند؟

عرض کرد: دروغگویان.

حضرت فرمودند: دامادان تو کیانند؟

عرض کرد: زنا کاران.

حضرت فرمودند: وکیلان تو کیستند؟

عرض کرد کم فروشان.

حضرت فرمودند: خزانه داران تو کیانند؟

گفت: آنان که زکات مال خود را نمی دهند.

حضرت فرمودند: شادی و نشاط تو از چیست؟

گفت: از آنانکه قسم دروغ می خورند.

حضرت فرمودند: دردت را چه کسی درمان می کند؟

گفت: کسانی که به دروغ گواهی می دهند.

حضرت فرمودند: روی تو را چه کسی سیاه می کند؟

عرض کرد: توبه کنندگان.

حضرت فرمودند: چشمت از چه چیزی کور می شود؟

گفت: از صدقه پنهانی دادن.

حضرت فرمودند: گوشت از چه چیزی کر می شود؟

گفت: از کسانی که ذکر خدا می گویند.

حضرت رسول (ص) فرمودند: خانه تو کجاست؟

گفت در حمام ها.

حضرت پرسیدند: مسجد تو کجاست؟

گفت: بازارها.

حضرت فرمودند: با چه کسی غذا می خوری؟

گفت: با کسی که بدون ذکر نام خدا دست به سوی غذا دراز کند.

حضرت پرسیدند: در نزد تو چه کسی عزیزتر است؟

گفت: آن کسی که اهل بیت تو را خوار کند و معصیت بسیار کند.

حضرت فرمودند: مؤذنانت کدامند؟

گفت مطربان و دف زنان.

حضرت فرمودند: شکار تو از چه چیزی است؟ از آن جماعت که به روی زنان مردم نگاه کنند.

حضرت فرمودند: عنایت و شفقت چه کسی بیشتر است؟

جواب داد: ساحران و جادوگران.

حضرت فرمودند: دام تو از چیست؟

گفت از موی زنان که هر تار مویشان حلقه دامی است برای هر مردی.

حضرت فرمودند: مردم را از چه نگاه می داری؟

شیطان گفت: مرا به تعداد هر یک از مردم فرزندی است که بر آنان مسلط کرده ام تا وسوسه کنند مگر آنکس که همیشه در خدمت صالحان و عالمان باشد و پیوسته در عبادت خداوند باشد چنین است که بر او دست نمی یابم اما آنکس که در نماز خود با حالت خضوع و خشوع (تواضع و فروتنی و ترس از خدا) باشد او را به فکرهای دنیایی می اندازم تا از نماز خود بهره نبرد و دچار سهو و اشتباه گردد.

حضرت رسول اکرم فرمودند: از چه کسی راضی هستی؟

گفت از دست زنان همچنان که من از اینان راضیم خدا از ایشان راضی مباد.

حضرت فرمودند: آیا از زنان کسی ریافت می شود که تو بر او چیره نشوی؟

عرض کرد: چهار زن هستند که مرا بر آنان چیرگی نیست اول: مریم مادر حضرت عیسی(ع). دوم: آسیه زن فرعون. سوم: حرم تو خدیجه کبری. چهارم: دخترت فاطمه زهرا(س).

حضرت رسول اکرم(ص) فرمودند: از گناهان کدام بدتر است؟

شیطان گفت: کبر و حسد و بخل و کینه که این چهار چیز آفتند. ای رسول خدا از کبر بود که من بر آدم سجده نکردم و طوق لعنت بر گردنم افتاد و عبادات شش هزار ساله ام را ضایع و تباه کرد و حرص بود که آدم را به خوردن گندم وا داشت و از روی حسد بود که قابیل برادر خود هابیل را کشت و از بخل بود که قارون نابود گشت.

حضرت فرمودند: خوراک این همه از لشکریانت از کجا فراهم می شود؟

شیطان گفت: از کم سنجیدن. وقتی کسی یک درهم کمتر بسنجد لشکرش صد درهم از مال او را بر می دارند.

حضرت فرمودند: وای به حال اینان که هرگز هیچ چیز ندارند.

شیطان عرض کرد: ای رسول خدا اگر اینان نبودند لشکرش از گرسنگی می مردند و اگر توبه در بین امت تو وجود نداشت برای من هیچ درد و غمی

نبود زیرا که در هنگام مرگ هم می توانستم گریبانشان را بگیرم و ایمانشان را از دست بدهم اما اکنون با هزار رنج و مشقت آنان را به گناه و

می دارم و تا خبر دار می شوم که توبه کرده اند رنج هایم تباه و ضایع می گردد.

حضرت فرمودند: آیا فرزندی داری؟

شیطان گفت: آری سخن چینان نور چشم منند و ربا خواران راحت تن منند و ستمگران قوت اعضا و جوارح منند ای رسول خدا من دشمنم با

کسی که با صالحان و عالمان تو بسیار همنشین کند زیرا که من هر چه کوشش می کنم تا یکی را از شر تو دور کنم باز اینان او را نصیحت می

کنند و به راه حق هدایت می نمایند.

حضرت فرمودند: دیگر با کدام یک از پیامبران سخن گفتی؟

شیطان گفت: با حضرت ابراهیم در هنگامی که خواست فرزندش را ذبح کند. او مرا شناخت و از خود دور کرد. دیگر با اسماعیل او نیز مرا با سنگ

زد و از خود دور نمود. دیگر اینکه برادران یوسف را وسوسه کردم تا سر انجام برادر خودشان را در چاه انداختند. موسی را نیز مورد وسوسه قرار

دادم تا سر انجام آن مرد قبلی را کشت. یحیی را در حالت گرسنگی دیدم و نزد او غذا آوردم و او را وسوسه کردم تا سیر خورد و معده اش

سنگین گشت و تا روز هنگام خوابید اما در صبح مرا شناخت و گفت: پس از این هرگز سیر نخواهم خورد.

حضرت رسول اکرم(ص) فرمودند: آیا هرگز بر من دست می یابی؟

شیطان عرض کرد: حاشا که هرگز بر تو دست یافته باشم.

حضرت فرمودند: با من عهد کن که امت مرا فریب ندهی؟

شیطان عرض کرد: تو نیز با من عهد کن که مرا در روز قیامت شفاعت نمایی.

حضرت رسول اکرم(ص) در فکر فرو رفتند.

در این حال جبرئیل بر حضرت نازل شد و فرمود: ای رسول خدا آگاه باش و با او عهد نکن که خداوند سوگند یاد نموده که او را در آتش بسوزاند.

حضرت فرمودند: امتم را نصیحت کن.

شیطان به امید شفاعت روی به اصحاب کرد و گفت: اگر راه رستگاری را می خواهید پس به نصیحت من گوش دهید و آن را فراموش نکنید:

اول اینکه : چون وقت نماز فرا رسد کار های خود را کنار گذاشته و مشغول عبادت شوید و گرنه با وسوسه شما را به کاری شما را مشغول خواهیم

داشت که از نماز محروم شوید.

دوم اینکه : به زنان نا محرم نگاه نکنید و به سخنان آنان گوش ندهید زیرا شما را در گناه خواهیم انداخت.

سوم اینکه : وقتی تصمیم به انجام امر نیکی گرفتید زود آن را انجام دهید و گرنه من مانع خواهم شد.

چهارم اینکه: سوگند دروغ نخورید که موجب فقر می شود.

پنجم اینکه : صحبت صالحان و عالمان را از دست ندهید زیرا از بهترین طاعات است.

ششم اینکه : مهمان را گرمی بدارید که هدیه خداست و با او بی حرمتی نکنید.

هفتم اینکه : اولاد رسول خدا را گرمی بدارید و حرمتشان را نشکنید که حجت خدا هستند.

<http://www.erfan.ir/article/article.php?id=61291>